

بسم الله الرحمن الرحيم

حملات اوکراین بر روسیه در جریان برگزاری مجمع اقتصادی

(ترجمه)

سؤال:

الجزیره نت به تاریخ ۱۰ جون ۲۰۲۶ م نشر کرد: «ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، امروز چهارشنبه اعلام کرد که کشورش شب گذشته با موشک‌های ساخت اوکراین، یک تأسیسات نظامی روسیه را که صدها کیلومتر در شرق مسکو موقعیت دارد، هدف قرار داده است. روسیه نیز این موضوع را تأیید کرده و در عین حال اعلام نموده که صدها پهپاد اوکراینی را در مناطق مختلف روسیه رهگیری و سرنگون کرده است...»

هم‌چنان CNN عربی به تاریخ ۶ جون ۲۰۲۶ م نشر کرده بود: «اوکراین در ساعات نخست صبح شنبه، حمله گسترده‌ای را با پهپادها بر شهر سن‌پترزبورگ انجام داد؛ آن هم در روز پایانی مجمع برجسته اقتصادی که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، میزبان آن در این شهر بود، دومین شهر بزرگ روسیه با یک "حمله گسترده پهپادهای نظامی" روبه‌رو شد.»

این حمله اوکراین هم‌زمان با روز پایانی مجمع بزرگ اقتصادی صورت گرفت که روسیه آن را در این شهر، مشابه مجمع «داووس»، برگزار می‌کند. پس ابعاد این حملات بزرگ اوکراین که اکنون به عمق خاک روسیه می‌رسد، چیست؛ آن هم در زمانی که نشست‌ها و کنفرانس‌ها در سن‌پترزبورگ، دومین شهر مهم روسیه، برگزار می‌گردد؟ آیا این حملات از واقعیت تازه‌ای در روسیه پرده برمی‌دارد؛ واقعیتی که نشان می‌دهد روسیه از جایگاه دولتی که در شمار قدرت‌های بزرگ قرار داشت، به دولتی با قدرت و نفوذ متوسط تنزل یافته است!؟

جواب:

برای پاسخ به پرسش‌های بالا، نکات زیر را بررسی می‌کنیم:

۱. از نگاه خود این حمله: آنچه الجزیره به تاریخ ۱۰ جون ۲۰۲۶ م و CNN عربی به تاریخ ۶ جون ۲۰۲۶ م نشر کرده‌اند، از نظر واقعیت وضعیتی که روسیه در آن قرار گرفته، به‌خصوص حملات اوکراین علیه آن در زمان برگزاری مجمع اقتصادی در دومین شهر مهم روسیه، توصیف روشن و قابل فهم است. افزون بر این، این حمله تنها در هنگام پایان مجمع صورت نگرفت، بلکه در آغاز آن نیز انجام شد: «نیروهای اوکراینی شهر سن‌پترزبورگ روسیه را در آخرین روز مجمع اقتصادی بین‌المللی که این شهر میزبان آن بود، هدف حمله قرار دادند... و در نخستین روز مجمع اقتصادی بین‌المللی روسیه در روز چهارشنبه، پس از حمله به یک پالایشگاه نفت، ستون‌هایی از دود بر فراز شهر قدیمی به آسمان برخاست و مهمانانی که برای شرکت در این رویداد وارد می‌شدند، با ستونی از دود سیاه در پس‌زمینه روبه‌رو شدند...» (الشرق الأوسط، ۶ جون ۲۰۲۶ م)

۲. این نوع حملات بزرگ و نیرومند که تأسیسات و شهرهای مهم را در عمق خاک روسیه هدف قرار می‌دهد، نه در مرزهای هم‌جوار با اوکراین و هم‌زمان با یک رویداد بزرگ در روسیه، یعنی مجمع اقتصادی سن‌پترزبورگ، که خود رئیس‌جمهور پوتین نیز در آن شرکت می‌کند، چالشی بزرگ برای روسیه به‌شمار می‌رود.

در آغاز جنگ، اوکراین از انجام هرگونه حمله در پشت مرزهای خود با روسیه خودداری می‌کرد؛ سپس به حمله بر مناطق مرزی روی آورد و رفته‌رفته حملات خود را عمیق‌تر ساخت تا جایی که حتی ساختمان کرملین را نیز هدف قرار داد، سپس میدان‌های هوایی را در عمق سیبری مورد حمله قرار داد و طی آن، هواپیماهای استراتژیک روسیه، موسوم به «قوی سفید»، را نابود کرد؛ هواپیماهایی که یکی از اضلاع سه‌گانه هسته‌ای روسیه به‌شمار می‌روند. پس از آن نیز حملات اوکراین بر شهرهای نزدیک و دور روسیه متوقف نشد و اکنون مسکو، پایتخت روسیه و شهر سن‌پترزبورگ را هدف قرار می‌دهد.

سن پترزبورگ شهری بسیار مهم در روسیه است؛ شهری که در پایان دوره تزاری و آغاز دوره سوسیالیستی، پایتخت روسیه بود. حمله به این شهر در زمان برگزاری یک رویداد بین‌المللی بسیار مهم برای روسیه صورت می‌گیرد؛ رویدادی که روسیه در آن، مجمع «داووس» را الگو قرار می‌دهد تا اهمیت خود را در صحنه بین‌المللی، از جمله در عرصه اقتصادی نشان دهد، این رویداد اقتصادی بین‌المللی برای روسیه تجسم احساس عظمت روسی است؛ دست‌کم روسیه آن را چنین می‌بیند.

بنابراین، حمله نخست اوکراین هم‌زمان با آغاز مجمع، حمله دوم هم‌زمان با پایان کار مجمع و سپس حملات بعدی، همه این‌ها در حکم شکستن احساس عظمت روسیه است؛ گویی قدرتی بزرگ در پشت اوکراین ایستاده است، خواه آمریکا باشد یا اروپا و می‌خواهد به روسیه بگوید: شما در اقتصاد خود کم وزن و بی‌اثر هستید و حتی نمی‌توانید از شهری که میزبان رویدادی است که در شما احساس عظمت ایجاد می‌کند، محافظت کنید.

۳. درست است که روسیه نیز اوکراین را هدف حمله قرار می‌دهد، چنان‌که آمده است: «روسیه امروز یک‌شنبه، پایتخت اوکراین و مناطق پیرامون آن را با صدها پهپاد و موشک زیر آتش گرفت؛ از جمله با شلیک یک موشک هایپرسونیک اورشونیک در نزدیکی کی‌یف، در یکی از شدیدترین حملاتی که این شهر از زمان آغاز جنگ، بیش از چهار سال پیش، شاهد آن بوده است.» (رویترز، ۲۴ می ۲۰۲۶ م)

به این معنا که هر دو دولت، یکی دیگری را هدف حمله قرار می‌دهند و حمله اخیر اوکراین نیز یکی از همین ضربات متقابل به‌شمار می‌رود، اما واقعیت این ضربات متقابل نشان می‌دهد که روسیه دیگر آن قدرت بزرگی نیست که دولت‌هایی مانند اوکراین از آن هراس داشته باشند! روسیه پیش‌تر خود را در هاله‌ای از هیبت و اقتدار می‌پوشاند؛ هیبتی که اوکراین را از حمله به آن باز می‌داشت، بلکه اوکراین در آغاز جنگ حتی از حمله به شبه‌جزیره کریمه، که روسیه آن را در سال ۲۰۱۴ م از اوکراین جدا کرده و به خاک خود ضمیمه ساخته بود، خودداری می‌کرد؛ آن هم از ترس واکنش بسیار شدید روسیه.

۴. سپس این هیبت روسیه در جریان ماه‌های جنگ، اندک‌اندک فرو ریخت تا آن‌که کاملاً فرسوده و نابود شد در نتیجه، راه برای حملات اوکراین به عمیق‌ترین نقاط روسیه، مقدس‌ترین نمادهای آن، باشکوه‌ترین شهرهایش و حساس‌ترین زمان‌ها برای آن، باز گردید.

با دقت در اظهارات و مواضع روسیه که هم‌زمان با این دو حمله، یا پیش و پس از آن‌ها مطرح شد، می‌توان به درجه عمیقی از ضعف روسیه پی برد، با آن‌که روسیه بدون شک می‌داند که اوکراین با حمایت آمریکا، روسیه را هدف قرار می‌دهد. با این حال به آمریکا نزدیک می‌شود و اظهارات پوتین نیز بر همین امر دلالت دارد:

الف) «ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، روز گذشته احترام خود را به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا و تلاش‌های او برای پیشبرد روند حل‌وفصل بحران اوکراین ابراز کرد و از شیوه برخورد او با ولودیمیر زلنسکی ستایش نمود. در زمینه تلاش‌ها برای حل‌وفصل نیز یوری اوشاکوف، دستیار رئیس‌جمهور روسیه، اخیراً اعلام کرد که با همتای آمریکایی خود، استیفن ویتکاف و داماد ترامپ، جارد کوشنر، در تماس است و سفر آن دو به روسیه در حال آماده‌سازی می‌باشد.» (آر تی، ۶ جون ۲۰۲۶ م)

ب) «پوتین توضیح داد که روسیه "آماده است و می‌خواهد با اوکراین از راه‌های مسالمت‌آمیز به توافق برسد؛ به‌خصوص بر همان مبنایی که در دیدار با رئیس‌جمهور ترامپ در انکوریج درباره آن سخن گفتیم." رئیس‌جمهور روسیه اشاره کرد که در مذاکراتی که در انکوریج انجام شد، مسائلی در برابر روسیه مطرح گردید که به احتمال ارائه برخی امتیازات از سوی این دولت مربوط می‌شد. او تأکید کرد: "درباره راه‌حل‌های سازشی‌ای که در انکوریج از آن سخن گفتیم، روسیه با آن موافق است." پوتین افزود: "لازم است طرف اوکراینی نیز با این راه‌حل‌های سازشی موافقت کند، در آن صورت، این درگیری به سرعت به پایان طبیعی خود خواهد رسید." (آر تی، ۴ جون ۲۰۲۶ م)

- همه این‌ها میزان عقب‌گرد و ضعف روسیه را در عرصه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد؛ چنان‌که در موارد زیر روشن می‌شود:

الف) از نگاه نظامی، از زمان آغاز جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲م روسیه ده‌ها تن از جنرالان بلندپایه خود را در عملیات‌های موفق شکار نظامی از سوی اوکراین از دست داده است. ارتش روسیه نیز با دشواری‌های شدید روبه‌رو شد؛ دشواری‌هایی که در نبردهای سخت پیرامون شهر باخموت آشکار گردید و پیش از آن در ماریوپول، جایی که جنگجویان اوکراینی برای مدت طولانی در کارخانه فولاد سنگر گرفته بودند، نمایان شد. پیش از آن نیز شکست فاحش روسیه در حمله بر کی‌یف، عقب‌نشینی ارتش روسیه از عمق خاک اوکراین و تصمیم آن برای تمرکز بر شرق اوکراین، همه نشانه‌های این دشواری‌ها بود.

هم‌چنان روسیه ۴۰ درصد از کشتی‌های ناوگان دریای سیاه خود را از دست داد و شماری از هواپیماهای استراتژیک آن، موسوم به «قوی سفید»، در شهرهایی که هزاران کیلومتر از مرز اوکراین فاصله داشتند، نابود شدند؛ و موارد بسیار دیگری از این دست نیز وجود دارد.

این عقب‌نشینی‌ها، خسارت‌ها و ناتوانی در دستیابی به پیروزی قاطع، همگی یک واقعیت تازه را در صحنه بین‌المللی تأیید کرده‌اند: ارتش روسیه نماینده یک قدرت بزرگ نیست. این ارتش نمی‌تواند در اوکراین پیروز شود، حتی ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به روسیه حمله لفظی کرد و گفت جنگی که فرض می‌شد در دو هفته پایان یابد، اکنون چهار سال ادامه یافته بی‌آن‌که پیروزی به دست آید.

بر این اساس، جنگ اوکراین حقیقتی را آشکار ساخت که پیش از این جنگ روشن نبود؛ و آن ضعف ارتش روسیه است، یا دست‌کم این‌که قدرت این ارتش با جایگاه یک دولت بزرگ تناسب ندارد، بلکه بیشتر به قدرت نظامی متوسط، مانند ارتش هند یا پاکستان نزدیک است. با این حال، روسیه هم‌چنان یک قدرت بزرگ هسته‌ای باقی می‌ماند؛ اما این قدرت هسته‌ای هنوز در آزمون نظامی واقعی قرار نگرفته است؛ ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، در جریان جنگ تصریح کرده بود که قدرت هسته‌ای روسیه با مشکلات فنی بزرگی روبه‌رو است؛ امری که تردید جدی را درباره حقیقت قدرت هسته‌ای روسیه برمی‌انگیزد، هرچند همین قدرت هسته‌ای آخرین ستون عظمت بین‌المللی روسیه به‌شمار می‌رود.

ب) از نگاه اقتصادی، هیچ دولتی نمی‌تواند در حالی‌که از نظر اقتصادی ضعیف است، به یک قدرت بزرگ تبدیل شود. وضعیت امروز روسیه نیز همین‌گونه است، با وجود وسعت جغرافیایی فراوان، منابع گسترده زراعتی و نفتی، مواد خام و معادن نادر، مجموع تولید اقتصادی روسیه در بالاترین حد خود حدود ۲/۵ تریلیون دالر است و این دولت در رده‌بندی جهانی میان جایگاه هشتم تا دهم در نوسان قرار دارد. روسیه از چین و آمریکا که تولید اقتصادی آن‌ها به ترتیب به حدود ۲۰ و ۳۰ تریلیون دالر می‌رسد، فاصله بسیار زیاد دارد. هم‌چنان دولت‌های زیادی مانند آلمان، جاپان، هند، بریتانیا و فرانسه از نظر اقتصادی از روسیه پیش‌اند و در برخی سال‌ها ایتالیا و کانادا نیز از آن جلو می‌زنند.

اقتصاد روسیه به‌گونه‌ای تقریباً اساسی بر منابع انرژی و صادرات مواد خام تکیه دارد؛ چنان‌که جهان، به‌جز سلاح، تقریباً کالای اقتصادی مشخصی را نمی‌شناسد که روسیه به آن شهرت داشته باشد، هنگامی که شریان پول اروپایی در نتیجه جنگ اوکراین، زیر فشار تحریم‌های وضع‌شده بر نفت و گاز روسیه و انفجار خطوط لوله «نورد استریم» قطع شد، اقتصاد روسیه در تنگنا قرار گرفت، روسیه تلاش کرد از این تنگنا بیرون شود و به‌سوی چین روی آورد، اما تحریم‌های آمریکا و نگرانی چین از این‌که این تحریم‌ها دامن آن را نیز بگیرد، روسیه را وادار ساخت تا نفت خود را با قیمت‌های پایین بفروشد تا خریداران در چین، هند و دولت‌های دیگر را جذب کند.

پس از چهار سال جنگ، مهاجرت بسیاری از مغزهای روسیه به خارج و تکیه اقتصاد این دولت بر تولیدات جنگی برای تغذیه جبهه اوکراین، وضعیت اقتصادی روسیه روبه‌روز دشوارتر می‌شود.

ج) اما از نگاه سیاسی، پس از جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲م روسیه با انزوای سیاسی گسترده‌ای روبه‌رو شد؛ انزوایی که میان این دولت و بسیاری از دولت‌های جهان، به‌خصوص دولت‌های غربی، دیواری بزرگ ایجاد کرد و مانع تحرک سیاسی آن گردید، روسیه بسیاری از روابط بین‌المللی خود را از دست داد.

زمانی که جنگ آمریکا و رژیم یهود علیه ایران آغاز شد، روسیه چیز باارزشی به ایران ارائه نکرد، شاید بیشترین حمایتی که روسیه می‌توانست به ایران نشان دهد، ابراز تسلیم علنی در پی کشته شدن رهبر، علی خامنه‌ای، بود، با آن‌که ایران در جریان جنگ اوکراین، پهپادهای «شاهد» را در اختیار روسیه قرار داده بود، اما روشن نشد که روسیه در برابر حمله بزرگ آمریکا و رژیم یهود، چیزی برای تقویت پایداری ایران ارائه کرده باشد.

از نگاه سیاسی، اگر برای ایران مقدر شود که در مسیر استقلال از مدار آمریکا حرکت کند، جهت‌گیری آن به سوی روسیه نخواهد بود؛ زیرا سیاست روسیه ضعیف است، اگر روسیه دارای دیدگاه سیاسی‌ای می‌بود که شایسته یک قدرت بزرگ باشد، در قبال ایران پیش قدم می‌شد و به ایران کمک می‌کرد تا در پاسخ به کمک آمریکا به اوکراین در غرق‌ساختن کشتی‌های ناوگان دریای سیاه روسیه، کشتی‌های آمریکایی را غرق کند. در آن صورت، روسیه نفوذ گسترده‌ای در داخل ایران به دست می‌آورد، اما انجام ندادن این کار، ضعف سیاست روسیه را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که این سیاست تنها در سطح قدرت‌های متوسط است و شایسته دولتی نیست که برای بهبود جایگاه بین‌المللی خود وارد جنگ اوکراین شده است!

۶. خلاصه این‌که موتورهای عظمت روسیه رو به فروپاشی نهاده‌اند؛ بلکه این فروپاشی از مرحله آغاز نیز عبور کرده است. حملات اوکراین که دولت‌های غربی به‌طور کلی و در رأس آن‌ها آمریکا آن را به پیش می‌رانند، در زمانی حساس برای روسیه صورت گرفت؛ یعنی هنگام برگزاری مجمع اقتصادی سن پترزبورگ، پیش از آن نیز ارتش روسیه تضعیف شد و کشتی‌های جنگی آن که مایه افتخار مردم روسیه بود، غرق گردید؛ از جمله ناو بزرگ «مسکو» که کشتی فرماندهی ناوگان دریای سیاه به‌شمار می‌رفت. هم‌چنان انفجار شماری از هواپیماهای «قوی سفید»، دژهایی از عظمت هوایی روسیه را درهم شکست.

حمله اخیر بر شهری که میزبان مجمع بین‌المللی بود، همراه با همه این رویدادها، به روس‌ها یادآوری می‌کند که احساس عظمت روسی با ضعف اقتصادی این دولت سازگار نیست، بلکه روسیه میزبان رویدادی بین‌المللی است که توان محافظت از آن را ندارد. افزون بر این، روابط بین‌المللی آن نیز، اگر روابطش با بلاروس را استثنا کنیم، رو به عقب‌گرد و تزلزل است، حتی رویکرد روسیه به سوی چین و آنچه «ائتلاف روسیه و چین» نامیده می‌شود، ناکام مانده است؛ زیرا چین در زمان دشواری‌ها برای نجات روسیه نشتافت، با وجود توافق‌نامه استراتژیک میان دو دولت و با وجود هم‌پیمانی آن‌ها در بریکس، شانگهای و دیگر چارچوب‌ها، همه این‌ها ائتلاف‌هایی بوده‌اند که ثابت شد بیشتر جنبه نمادین دارند و به سطح «احیای عظمت روسیه» پس از عقب‌گرد و تزلزل آن نمی‌رسند.

درپایان، هرچند روسیه در ضعف و تزلزل از دولت‌های غربی، به‌خصوص آمریکا، پیشی گرفته است، اما همه دولت‌های کافر استعمارگر شکست خود را با خود حمل می‌کنند. این حقیقت، به اذن الله سبحانه و تعالی، هنگام برپایی خلافت راشده به‌گونه‌ای آشکار نمایان خواهد شد؛ خلافتی که سرگذشت سقوط کسراهای فارس و قیصرهای روم در برابر قدرت دولت اسلام را بار دیگر در برابر آنان تکرار خواهد کرد؛ خلافت بر منهج نبوت. این دولت‌ها هرچند پس از زوال دولت خلافت دوباره بر پاهای خود ایستادند، اما با برپایی خلافتی که الله غالب و عزیز وعده‌اش را داده است، دوباره به سوی فروپاشی بازخواهند گشت:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ [نور: 55]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم که صادق امین بود، نیز ما را به بازگشت آن پس از این حکومت جبری‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، بشارت داده است؛ احمد از حذیفه رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«...ثُمَّ تَكُونُ مَلَكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مَهَاجِ النَّبُوَّةِ ثُمَّ سَكَتَ»

ترجمه: سپس پادشاه جبری خواهد بود تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد، سپس هرگاه (الله سبحانه و تعالی) بخواهد، آنرا بر می دارد، سپس خلافت بر منہج نبوت خواهد بود، سپس سکوت فرمود.

این به اذن الله سبحانه و تعالی، حتماً واقع شدنی است:

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: 21]

ترجمه: و الله (سبحانه و تعالی) بر کار خود پیروز است، ولی بیشتر مردم نمی دانند!

۲۶ ذی الحجہ ۱۴۴۷ هـ.ق.

۱۲ جون ۲۰۲۶ م.

مترجم: مصطفی اسلام